

Application of National Identity in Sport Policy of Iran

Abstract

The link between modern sport and nationalism has been established and traceable since the beginning of the development of these two phenomena. On the one hand, sport has always been a platform for building, expanding, legitimizing and influencing nationality and national culture. On the other hand, it was governments and identity movements that helped strengthen, expand, and influence modern sport. In this study, considering the analysis of the link between sport and government - modern nations, the results of 34 in-depth interviews with 28 experts, academics and athletes have been analyzed with a background method. In addition to physical activity, exercise is a process for metamorphosis and the production of identity ideas for these participants. Therefore, the answer to the fundamental research question on how national identity influences sports and sports policy, extracting key concepts such as national pride, continuation of socio-gender norms, consolidation of ideology and political propaganda, the present study shows that the issue of identity in sports as a process for the production and transformation of identity ideas, it has been used in terms such as "sports nationalism" or "sports patriotism".

Keywords Identity, National Athletes, Nationalism, Patriotism, Policy.

شناسایی به کارگیری هویت ملی در سیاست گذاری ورزش ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳

آیرین احمدپور^۱حسین رجبی نوش آبادی^۲محمد خبیری^۳مجید جلالی فراهانی^۴**چکیده:**

پیوند میان ورزش مدرن و ملی گرایی از آغاز تکوین این دو پدیده برقرار و قابل پیگیری است، ورزش از یک سوی همواره بستری برای ساخت، گسترش، مشروعیت یابی و نفوذ ملیت و فرهنگ ملی بوده است و از سوی دیگر این دولت ها و جنبش های هویت طلب بودند که به تقویت، گسترش و نفوذ ورزش مدرن کمک کردند. در این پژوهش با نگاهی به تحلیل پیوند ورزش و دولت - ملت های مدرن، نتایج حاصل از ۳۴ مصاحبه عمیق با ۲۸ نفر از کارشناسان، اساتید دانشگاهی و ورزشکاران با روش زمینه ای مورد واکاوی قرار گرفته است. از منظر این افراد، ورزش علاوه بر فعالیتی جسمی، فرآیندی برای دگردیسی و تولید انگاره های هویتی است. بنابراین در جواب سوال بنیادین تحقیق مبنی بر چگونگی تاثیر گذاری و تاثیر پذیری هویت ملی بر ورزش و سیاست گذاری ورزشی، پژوهش حاضر با استخراج مفاهیم کلیدی همچون غرور ملی، تداوم هنجارهای اجتماعی - جنسیتی، تحکیم ایدئولوژی و تبلیغات سیاسی، نشان می دهد که موضوع هویت در ورزش به مثابه فرآیندی برای تولید و دگردیسی انگاره های هویتی، در قالب اصطلاحاتی همچون «ملی گرایی ورزشی» و یا «میهن پرستی ورزشی» به کار گرفته شده است.

واژگان کلیدی: سیاست گذاری، ملی گرایی، میهن پرستی، ورزشکاران ملی، هویت.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، پردیس بین المللی کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران irinahmadpour@gmail.com

^۲ استادیار مدیریت ورزشی، پردیس بین المللی کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران. (نویسنده مسئول) horajabi@ut.ac.ir

^۳ دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران mkhabiri@ut.ac.ir

^۴ دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران jalali@ut.ac.ir

بسیاری از تحلیلگران علوم سیاسی معتقدند شناخت فرایندهای سیاست‌گذاری، بنیادهای معرفتی و نظری حاکم بر این عرصه، ابزارها، تاکتیک‌ها و روش‌ها به کنش‌گران و محققان کمک می‌کند تا به گفته دیویدا استون^۱ به "جعبه سیاه سیاست‌گذاری‌ها" دست یابند. در این میان، شیوه و بیان و گفتمان موجود در سیاستها، که در هر فرایند سیاست‌گذاری وجود دارد، راهنمای خوبی برای این شناخت است. با نگاهی علمی و محققانه به شناخت فرایندها و بنیادهای نظری حاکم بر فرایند سیاست‌گذاری در ایران و عوامل تأثیرگذار، می‌توان جامعه سیاست‌گذاران را شناسایی و تأثیر آن را بر روند منطقی و عقلایی سیاست‌گذاری تحلیل کرد. اگرچه تحلیل و ارزیابی سیاست‌ها به ابزارهای دقیق علمی و الگوهای معتبر نیاز دارد، دستیابی به این مهم مستلزم تبیین وضع مطلوب، شناسایی وضع موجود و تحلیل شکاف بین دو وضع مطلوب و موجود است (۱). نظام سیاست‌گذاری در ایران بنیادهای معرفتی و نظری خاصی دارد که به وجود آورنده ابزارها و فنون متناسب با خود هستند؛ از این رو، برای شناخت سیاست و سیاست‌گذاری، شناخت این بنیادها از یک سو به بهینه‌سازی فرایندهای سیاست‌گذاری آینده کمک شایانی می‌کند و از سوی دیگر ما را با نقاط قوت و ضعف و خلأهای موجود آشنا می‌سازد (۲). با اینکه بیشتر دولت‌ها، سیاست‌های ملی دارند و بسیاری از آنها بودجه‌هایی را به طرح‌های بین‌المللی اختصاص می‌دهند، تعداد کمی از آنها چارچوب سیاسی هماهنگی را برای هدایت در سطح بین‌المللی، با وضع قانون یا برنامه توسعه ورزش راهبردهای تنظیمی روشن و برنامه‌های صریح و اختصاصی و البته بودجه‌های متعهد، توسعه داده‌اند و یکی از موارد موثر در این زمینه هویت ملی است. هویت ملی نوعی احساس تعلق و تعهد اعضای یک جامعه به رموز و نمادهای فرهنگی شامل زبان‌ها، ارزش، هنجارها، دین، ادبیات و تاریخ مشترک است که موجب تمایز آن جامعه از دیگر جوامع و تقویت انسجام ملی می‌شود.

ایران از جمله کشورهایی است که از پیشینه تاریخی و تمدنی عظیمی برخوردار است. همچنین جامعه ایران جامعه‌ای با لایه‌های فرهنگی مختلف و متشکل از خرده فرهنگ‌های قومی، مذهبی و دینی گوناگون است. اسناد تاریخی نشان می‌دهد ایران در مقاطع مختلف با مسائل و مشکلاتی از سنخ تضعیف وحدت ملی مواجه بوده و حتی در برهه‌هایی از تاریخ معاصر بخش‌هایی از سرزمین پهناور ایران متزعز شده است. در حال حاضر نیز به دلایل مختلفی همچون فضای جهانی متأثر از پایان یافتن جنگ سرد و تشدید رقابت‌های قومی، افزایش تهدیدهای خارجی، تغییر در لایه‌های زیرین جامعه به ویژه ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی، موضوع حفظ و تقویت وحدت و همبستگی ملی از جمله مسائل و مشکلات مبتلا به جامعه ایران است. بدون تردید تبیین تحولات تاریخی ایران به ویژه درک رابطه هویت ملی و سیاست‌گذاری ورزش در درازای تاریخ این مرز و بوم در کنار بهره‌گیری از چارچوب‌های متداول نظری می‌تواند دستمایه فکری مناسبی برای حل مشکلات فعلی ایران فراهم سازد؛ چرا که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های معطوف به هویت ملی می‌تواند نقش

۱. David Easton

مؤثری در تحکیم وحدت و همبستگی ملی در ایران ایفا نماید (۳).

اگر چه بحث ورزش و هویت ملی و ملی‌گرایی به سال‌های آغازین پدید آمدن مفهوم ملیت بر می‌گردد اما مطالعه پیرامون آن دیرتر آغاز شد اما با شروع مطالعه اهمیت روزافزون آن نیز آشکار گشت و هم اکنون سازمان‌ها و بنیادهای مختلفی در سراسر دنیا به تحقیق در این حوزه مشغول هستند. حوزه‌ای که با توجه به دغدغه‌های عمیق بحث ملیت و هویت ملی در ایران جای خالی آن در مطالعات آکادمیک و دانشگاهی کاملاً محسوس است. چرا که در ایران با وجود تنوع ملیتی از یک سو و غرض‌ورزی برخی از کشورهای هم‌سایه، ورزش می‌تواند یکی از عوامل مهم باشد که نقش مؤثری در هویت‌سازی در کشوری مانند ایران را بر عهده بگیرد. با توجه به این مطالب، در این پژوهش، پژوهشگران تلاش نمودند تا به شناسایی به کارگیری هویت ملی در سیاست‌گذاری ورزش ایران بپردازند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش :

هرچند ورزش امری اجتماعی است، ولی در تحلیل این پدیده بر مبنای فرضیه‌ها و نظریه‌های علوم اجتماعی، در قیاس با بسیاری از امور اجتماعی دیگر، باید با احتیاط بیشتری برخورد کرد. در تحلیل پدیده ورزش باید بر مبنای تحلیل پدیده‌های بین رشته‌ای عمل کنیم، زیرا بدون شک امروزه ورزش با فرهنگ، جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد و سیاست پیوند تنگاتنگی یافته است. درحالی‌که در تحلیل پدیده‌های اجتماعی می‌توان، همزمان با توجه به شرایط دیگر، عامل یا شرایطی را (بسته به نوع پدیده) عامل اصلی دانست. در دیدگاه جامعه‌شناختی کارکردگرایی، ورزش با تخلیه هیجان‌ها و تنش‌ها و انرژی پرخاشگری افراد و تاکید بر ارزش‌های مثبت اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی مؤثر است و باعث تقویت وحدت ملی و ثبات و تعادل اجتماعی می‌شود. در این دیدگاه، زمانی ثبات و تعادل اجتماعی حفظ می‌شود که ارزش‌ها و محیط باهم سازگار باشند و آنهم در صورتی است که ارزش‌های جامعه، از طریق یک روند باکفایت جامعه‌پذیری، به خوبی به نسل‌های جدید منتقل شود (۴). پژوهش‌ها و مطالعات کمی درباره بررسی فرایند سیاست‌گذاری در عرصه ورزش صورت گرفته است، پژوهش حاضر، از حیث بررسی فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران، کاری جدید است. ملکوتیان (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "سیاست و ورزش" به جنبه‌های گوناگون رابطه ورزش و سیاست پرداخته است. بر اساس این بررسی، رابطه ورزش و سیاست رابطه‌ای دوطرفه است. از یک طرف سیاست، از طریق تدوین و اجرای راهبرد ورزشی، در ورزش تأثیر دارد و از طرف دیگر ورزش، از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی، در سیاست تأثیر دارد (۵). دوستی و گودرزی، خبیری و اسدی (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان "علل ورود سیاستمداران به ورزش" انجام دادند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، ۷۳ متغیر در بخش عوامل مرتبط با ورود مدیران سیاسی به ورزش شناسایی شده است. می‌توان گفت که، در میان عوامل مرتبط با حضور مدیران سیاسی، علل ورود مدیران سیاسی به ورزش و دخالت در آن (۳۱ متغیر) مهمتر به نظر می‌رسد (۶).

هولیهان^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای به توسعه چارچوبی برای تحلیل تدوین سیاست‌گذاری بخش عمومی ورزش انگلستان پرداخت. وی الگوی مراحل، تحلیل سازمانی، الگوی چندمرحله‌ای جریان و ساختار ترکیبی پشتیبان را ارائه می‌کند و سپس ساختاری مناسب برای سیاست‌گذاری بخش عمومی ورزش، که بر نقاط قوت ساختارهای موجود تأکید دارد، ارائه می‌نماید و تأکید ویژه‌ای بر ساختارهای همکاری متقابل همه نهادها در این حوزه دارد (۷).

فالن و استنلیگ^۲ (۲۰۱۶) تحقیقی با عنوان "سیاست ورزش در سوئد" انجام دادند. نتایج حاکی از این بود که سیاست‌های ورزشی در سوئد نتیجه رابطه‌ای بلندمدت بین دولت‌های ملی و محلی و باشگاه‌های غیرانتفاعی و با عضویت داوطلبانه است که به حمایت گسترده‌ای از ورزش‌های سازمان‌یافته منجر می‌شود. در این رابطه، که با قراردادی ضمنی تعریف می‌شود، دولت درباره میزان و هدف بودجه تصمیمی گیرد و دریافت‌کننده، یعنی کنفدراسیون ورزش سوئد، جزئیات مربوط به توزیع و مدیریت را تعیین می‌کند (۴). نتایج پژوهش سارجیت سینگ^۳ (۲۰۱۷) که به سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ورزش همگانی در کشور مالزی پرداخت، حاکی از آن بود که دولت مالزی از طریق وزارت ورزش و جوانان سه برنامه بزرگ ملی برای افراد در تمام سنین راه‌اندازی کرده است. این سه برنامه "مالزی متناسب"، "روز ملی ورزش" و "الهام بخشیدن" است. این برنامه‌ها در تمام پانزده ایالت و بیش از ۱۲۰ بخش سازماندهی شده و تمام مردم را، با هرگونه زندگی و در هر سن، دربرمیگیرد. هدف اصلی این سیاست ورزشی تبدیل ورزش به فرهنگ در زندگی روزمره مردم بود. اهداف و راهبردهای مشخص شده در این سیاست تضمین می‌کند که تمام تلاش‌ها در این راستا، همراه با تلاش‌ها برای رسیدن به وضعیت توسعه‌یافته در کشور مالزی، به موفقیت بینجامند (۸). همچنانکه تحقیقاتی نیز بر سیاست‌گذاری ورزشی برای گروه‌های خاصی در جامعه متمرکز بوده و تاثیر آن را بر هویت فردی، اجتماعی و ملی مورد بررسی قرار داده است. از جمله تحقیق ادیسون، کریستینو و ریزونه^۴ (۲۰۲۱) که به طور خاص معطوف به سیاست‌گذاری ورزشی برای جوانان و نحوه استفاده از هوش مصنوعی در ورزش جوانان متمرکز شده است و نشان می‌دهد که نتایج با توجه به نژاد و قومیت می‌تواند متغیر باشد اما در بیشتر موارد استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند به یاری ورزشکاران جوان ۲۲ ساله و کمتر بیاید (۹). همچنین در مطالعه‌ای در کشور ترکیه که توسط اردوغان و گلشن^۵ (۲۰۲۱) انجام گرفته است به طور مشخص به تأثیر جنسیت بر ورزش و سیاست‌گذاری ورزشی بر مبنای جنسیت پرداخته و در مطالعه‌ای که بر روی ۲۱۶ ورزشکار شامل ۹۶ زن و ۱۲۰ ورزشکار مرد انجام گرفته است نشان می‌دهد ورزشکاران زن بیشتر از طریق ورزش به سوی هویت سازی فردی و ورزشکاران مرد بیشتر

۱. Houlihan
۲. Fahlén & Stenling
۳. Sargit Singh
۴. Edison & Christino & Rizzone
۵. Erdoğan & Gülşen
۶. Kirakosyan

به سوی هویت سازی اجتماعی گرایش دارند. (۱۰) در مطالعه‌ای که توسط کیراکوسیان (۲۰۲۱) بر روی ورزشکاران برزیلی شرکت کننده در پارالمپیک ۲۰۱۶ ریو انجام گرفته مباحث بر سیاستگذاری ورزشی برای معلولین متمرکز شده است و اینکه چگونه افراد معلول جسمی از طریق ورزش به ابعاد مختلف هویتی خود شامل هویت ورزشی، هویت جنسیتی، هویت ناتوانی و هویت ملی دست می‌یابند. (۱۱)

بررسی پیشینه مطالعات اجتماعی ورزشی در ایران و جهان، حاکی از آن است که توجه پژوهشگران به موضوعاتی چون جهانی شدن، محلی شدن، تغییرات فرهنگی و مسئله هویت هم در حوزه ورزش‌ها و بازی‌های سنتی و هم در مقوله ورزش‌های مدرن در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی ضرورتی انکارناپذیر است، چنین رویکردی کارآمدی ورزش را به عنوان بستر مناسبی برای مطالعات اجتماعی روشن می‌کند. همچنین خدمت علوم اجتماعی به ورزش را تسهیل خواهد کرد. از دیگر کارکردهای ورزش در جامعه و در ارتباط با هویت ملی، ایجاد انسجام و همدلی در جامعه و پیوند میان اقشار و طبقات مختلف جامعه است که شاید تنها ورزش این توانایی را داشته باشد که این چنین اقشار متعارض را در جامعه گرد هم آورد و میان آنان پیوند برقرار سازد. هم چنان که پژوهش فائدی، غفوری و کارگر (۱۳۹۵) نشان می‌دهد ورزش و بالاخص ورزش قهرمانی تأثیر زیادی بر شاخص وحدت و انسجام اجتماعی دارد (۱۲).

پیوند ابعاد اجتماعی-فرهنگی ورزش با مجموعه نهادهای ساختارهای اجتماعی، همچنین نقش‌ها و تأثیرات حیاتی این پدیده و لزوم تقویت نظام تربیت بدنی ورزشی، به سان یک نظام اجتماعی-فرهنگی ما را و می‌دارد تا میان ورزش و شاخه‌های گوناگون علوم انسانی پیوند برقرار سازیم. ضرورت امر بالاخص در کشوری چون ایران که از یکسو دارای تکثر قومیتی است و از سوی دیگر تاریخ و فرهنگ غنی مشترکی دارد که باعث هویت بخشی در گستره‌ای جغرافیایی تحت عنوان ایران شده است، بیشتر خود را می‌نمایاند. با توجه به رویکرد گسترده نسل جوان به ورزش چنین پژوهش‌هایی می‌توانند مدیران و سیاست‌گذاران ورزشی را یاری رساند که از چه طریقی می‌توان از ورزش از ایجاد وحدت قومی و تقویت هویت ملی سود جست و چگونه می‌توان نسل جوان را به سمت و سوی الگوهای میهنی از ورزش سوق داد. پدیده ورزش اگر مقوم و باز نمایاننده شاخص‌ها و ارزش‌های عناصر هویت ملی ایرانی باشد می‌توان نتیجه گرفت که بین اخلاق، ارزش‌ها و اسطوره‌های ورزشی و شیوه تربیت بدنی با هویت ملی ایران نوعی هم‌آوایی برقرار است. در این وضعیت ورزش نه تنها به تضعیف و بحران در بارهای هویت ملی نینجامیده بلکه به بازنمایی و تقویت عناصر و نمادهای هویت ملی یاری رسانده است. در تحقیقی که بایرنر^۲ (۲۰۱۵) با عنوان ارزیابی جامعه‌شناختی ورزش: هویت ملی و ملی‌گرایی انجام داده است ضمن بررسی نظریات پیشین در این رابطه به بررسی این ارتباط در چندین بافت جغرافیایی مختلف می‌پردازد و به این نکته می‌پردازد که ورزش نیاز دارد تا درگیر مباحثی چون هویت، هویت ملی، دولت و ملت شود آنچه این منظر را برای ورزش فراهم می‌سازد سویه مطالعه جامعه‌شناسانه ورزش است. او تأکید می‌کند که ورزش به عنوان شکلی قوی از عملکرد ملی و یک

۱. Buirner

رشته اجتماعی کلیدی باقی می ماند و بسیاری از تنش های بین دولت، ملت، ملت تاریخی و هویت ملی از طریق ورزش قابل بررسی است. در صورتی که سیاستگذاری ورزشی و تربیت بدنی خواه از جانب دولت یا سازمانها و نهادهای غیر دولتی (با شگاهها و...) در نسبتی با عنا صر و مختصات هویت ملی جوامع نباشد، می تواند بستر ساز و تسریع کننده گرایش های ضد ساختار هویت ملی تبدیل شود (۱۳).

روش شناسی

تحقیق حاضر بر اساس روش شناسی کیفی و با روش زمینه ای انجام شده است. در این مطالعه شرکت کنندگان عبارت بودند از: ورزشکاران، اعضای تیم های ورزشی مختلف، مدیران ورزشی، مدر سان دانشگاهی در رشته های تربیت بدنی و معلمان و مربیان این رشته در کنار کار شنا سان میان رشته ای اعم از جامعه شنا سان، روان شنا سان و غیره؛ همچنین دیگر رشته هایی که دارای دانش و تجربه لازم در زمینه شکل گیری و ساخت هویت ورزشی هستند و به نحوی به فهم موضوعی پژوهش کمک می کنند.

داده های پژوهش با استفاده از مصاحبه عمیق و ساختار نیافته گردآوری شد. این نوع نمونه گیری از قاعده انتخاب تدریجی پیروی می کند. با کمک روش نمونه گیری کیفی به ویژه نمونه گیری گلوله برفی با افراد با اطلاعات کلیدی مصاحبه شده تا اشباع نظری حاصل شود. به لحاظ حجم نمونه، تعداد مشارکت کنندگان در این تحقیق ۲۸ نفر بودند (که با عناوین A1، A2، A3 و ... مشخص شدند). از این تعداد ۱۰ نفر ورزشکار، پنج نفر مربی و کادر ورزشی، هفت نفر اساتید، معلمان و کارشناسان ورزشی و شش نفر از صاحب نظران سایر رشته های مطالعاتی (جامعه شناسی و روان شناسی) بودند.

نقطه اشباع نظری هم نقطه پایانی برای گردآوری داده ها انتخاب شده است و برای تحلیل داده ها از روش تحلیل موضوعی (تحلیل درون مایه) استفاده شد. روش تحلیلی موضوعی یکی از شایع ترین روش های مورد استفاده در تحلیل داده های کیفی است. این نوع تحلیل عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده ها با این هدف که داده ها چه می گویند. تحلیل موضوعی در وهله اول به دنبال الگویابی در داده ها است. زمانی که الگویی از داده ها به دست آمد باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی درونمایه ها از داده ها نشات می گیرند (۱۴).

یافته ها

مشارکت کنندگان این پژوهش بر اساس دستیابی به حداکثر تنوع و با توجه به مسیر هدایت شده توسط نمونه گیری نظری انتخاب شدند. تعداد مشارکت کنندگان در این پژوهش شامل ۲۸ مشارکت کننده و تعداد ۳۴ مصاحبه موردی بود. از این میان از مسئولین ورزشی، اساتید حوزه های علوم انسانی، اساتید حوزه های ورزشی، ورزشکاران و روزنامه نگاران محققین آزاد در حوزه ورزشی مصاحبه به عمل آمد. قابل توجه اینکه مصاحبه گروهی انجام شده با حضور اساتید و محققین، پس از شکل گیری نظریه و تحریر خط داستانی انجام شد که در ساخت مدل نظری بسیار کمک کننده بودند. در اینجا با بررسی مقولاتی از قبیل غرور ملی، ارتقاء فرهنگ سیاسی و تبلیغات سیاسی به عنوان زیر

طبقات بعد سیاسی با بهره‌گیری از کدهای گفته شده در مباحث مشارکت کنندگان به تبیین و تفسیر هر کدام می‌پردازیم:



نمودار ۱: زیرطبقات و زیرمقولات (شاخص‌ها) مرتبط با ابعاد سیاسی مرتبط با ورزش

جدول ۱: اولویت‌بندی، درصد و فراوانی مقولات تحقیق

مقوله هسته	مقوله‌ها	شاخص‌ها	اولویت بندی	تعداد فراوانی اشاره شده	درصد
بعد سیاسی	غرور ملی	جنبه شناختی	۱	۱۰	۲۹/۴۱
		جنبه عاطفی	۲	۸	۲۳/۵۳
	ارتقاء فرهنگ سیاسی	دیپلماسی ورزشی	۳	۶	۱۷/۶۵
		تحکیم ایدئولوژی	۴	۵	۱۴/۷۰۵
	تبلیغات سیاسی	مقاومت سیاسی	۵	۳	۸/۸۲۵
		دو قطبی سازی سیاسی	۶	۲	۵/۸۸

الف) غرور ملی

هویت ملی با بهره‌گیری از توانایی‌های نمادین مانند زبان، دین، گذشته تاریخی و منافع مشترک، وفاق اجتماعی و همبستگی ملی را تقویت می‌کند. بنابراین هویت ملی نوعی آگاهی جمعی است که خود از سه مولفه تعلق ملی، غرور ملی و ارتباط ملی تشکیل شده است. (۱۵). در این میان غرور ملی عبارت است از یک طبقه بندی گسترده شامل پدیده‌هایی مانند پاسخ عاطفی مردم، دامنه خشنودی، قضاوت‌های جهانی، رضایت از زندگی و پیشرفت‌های ملی (۱۶) که این مفهوم دو جزء مشخص عاطفی و شناختی دارد؛ بعد عاطفی به عاطفه مثبت و منفی اشاره دارد و یک ارزیابی لذت باورانه است که از طریق عواطف و احساسات هدایت شده است، در حالی که بعد شناختی آن ارزیابی مبتنی بر اطلاعاتی از نحوه زندگی تا اندازه‌گیری انتظارات مشخص و شبیه یک زندگی ایده‌آل پیش بینی شده است.

بنابراین غرور ملی با و وضعیت تاریخی و اجتماعی فعلی منحصر به فرد آن کشور و از طریق موقعیت اجتماعی و اقتصادی هر فرد در آن جامعه قابل بررسی است. از این نظر سرمایه‌گذاری دولت‌ها در ورزش در کنار منافع اجتماعی و سلامت جسمی و روانی، تلاشی است برای تقویت حس ملی و ارتقاء غرور ملی. در واقع غرور ملی در عرصه ورزش به وسیله تحریک در رویدادهای بین‌المللی ورزشی با قرارگیری ما در برابر دیگران و از طریق اعمالی همچون تکان دادن پرچم، پخش سرودهای ملی، استفاده از نمادهای ملی گرایانه و غیره شکل می‌گیرد.

در واقع عمده پاسخگویان و مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های این تحقیق بر جنبه غرور ملی ورزش چه به لحاظ شناختی و چه به لحاظ عاطفی تأکید داشته‌اند. در این میان شخص (a1) از ورزش به عنوان برند یک ملت نام می‌برد و آن را معرف فرهنگها و ارزشهای یک جامعه در کل دنیا می‌داند. همچنین مشارکت‌کننده (a7) می‌گوید:

"ورزش با ایجاد غرور ملی در مردم یک کشور موجب انسجام ملی می‌شود و با ایجاد احساس علاقه به میهن مردم یک کشور را به هم پیوند می‌دهد."

وی با انتقاد از ضعف در هم‌آوردی ابعاد هویتی دینی، ملی و فرهنگی در روند تاریخی ایران و جنبه‌های آسیب‌زای این موضوع پس از انقلاب مشروطیت، بر توانش بالای ورزش در ایجاد غرور ملی تأکید دارد و می‌گوید: ورزش در پی پیروزی‌های خود، واجد توانایی ارتقاء غرور ملی است و فرصت مغتنمی برای سیاست‌گذاران فراهم کرده است که برای خلق وجدان جمعی یک ملت و ایجاد حس ملتی واحد بودن، از آن بهره‌گیرند.

در کنار این نگاه شناختی، می‌توان به جنبه‌های عاطفی آن نیز در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد، برای مثال (a17) می‌گوید:

"حس خیلی خوبی که پرچم ایران را بالا ببری. افتخار می‌کنم که ایرانی هستم و برای کشورم مقام می‌آورم."

همچنین (a18) در باره حس اهتزاز پرچم ایران در رقابت‌های بین‌المللی می‌گوید:

"الان گریه می‌کنم، نمی‌دانم چه بگویم، اصلاً قابل مقایسه به هیچ حسی نیست تا تجربه نکنی نخواهی فهمیدی. آنقدر مهم و بزرگ که حاضرم سالها برایش زحمت بکشم... لحظه‌ای که پرچم بالا می‌رود، لحظه زیبا و غرور آفرینی است که تا آخر عمر فراموش نمی‌شود."

ب) ارتقای فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی محیطی روانی است که تضادهای سیاسی در آن هدایت می‌شوند و سیاست‌های عمومی در آن اتخاذ می‌گردند در این محیط مجموعه وسیعی از راههای تفکر و شیوه‌های اندیشه فرد درباره جلوه‌ها و مصداق‌های سیاست شکل می‌گیرند. مهمترین عملی که در این محیط صورت می‌گیرد تبیین الگوهای است که سبب جهت‌گیری فرد نسبت به عینیت‌ها و واقعیات سیاسی - اجتماعی و پدیده‌های مختلف آن می‌شوند. به این ترتیب بهترین دستاورد تعریف فرهنگ سیاسی این مدعا است که احتمالاً جهت‌گیریها و رفتارهای فرد رابطه‌ای علت و معلولی با ارزش‌ها و سمبل‌های او دارد (۱۷). از این نظر

ورزش به مثابه امری که در ارتباط نزدیک با شهروندان و عرصه مشارکت عمومی است، می تواند رابطه متقابل و تأثیر گذاری بر فرهنگ سیاسی یک جامعه داشته باشد. در واقع ورزش همچون تجلی گاه کلی هنجارهای سیاسی و فرهنگی در یک جامعه ضمن انتزاعی تر و کلی تر کردن ذهنیت های سیاسی افراد، به شناخت و درک بیشتر آنها در عرصه سیاسی کمک می کند. تا جایی که امروزه در دیپلماسی عمومی از ورزش به عنوان ابزاری مؤثر و صلح آمیز برای توسعه روابط بین المللی تأکید می کنند. خصوصاً برای آن دسته از کشورهایی که دارای فضای سرد سیاسی متقابلی هستند، می توانند موجب تلطیف و عادی سازی رابطه میان دو کشور شود (۱۸) برای نمونه اعزام تیم پینگ پونگ ایالات متحده آمریکا به چین در سال ۱۹۷۱ در راستای زمینه سازی برای فصل جدیدی از روابط میان دو دولت یاد می شود.

در مقابل ورزش می تواند به اختلاف های سیاسی نیز دامن بزند و تبدیل به بستری برساختی برای ایدئولوژی ها و سیاست های دولت متبوع خویش گردد. نمونه بارز چنین موضعی را می توان در امتناع مسابقه با ورزش کاران اسرائیلی از سوی ورزشکاران خودی و ایرانی جستجو کرد.

در طی مصاحبات مشارکت کننده (a1) به جنبه دیپلماسی ورزشی به پیشنهاد سرمربی تیم کشتی آمریکا به ترامپ برای سفر به ایران در اعتراض به فرمان نژادپرستانه وی می گوید این نشان می دهد که ورزش ایران توانسته عاملی برای ارتقاء فرهنگ سیاسی و هویت ملی باشد.

همچنین (a5) بر این جنبه (دیپلوماسی ورزشی) صحه می نهد و می گوید:

"حضور قدرتمندانه ورزشی و فرهنگی یک ورزشکار می تواند نگرش مثبت و یا منفی جهانیان درباره آن کشور و مردمانش را باعث شود. ورزشکار باید بداند که در عرصه های جهانی فقط خود نیست بلکه یک ملت است".

و یا شخص (a27) درباره اهداء مدال خود به دکتر حسن روحانی رئیس جمهور وقت ایران در سال ۲۰۱۴ می گوید:

"من کشورم را دوست دارم و خوشحالم که مردمم را خوشحال کردم. پس از وی کار آمدن دولت جدید این فرصت خوشحال کردن مردم برای من دست داد و این را مدیون رئیس جمهوری هستم که این فرصت را برای من و مردمم فراهم آورد".

در مقابل مشارکت کننده (a10) به موانع سیاسی بر موفقیت های ورزشی خود به عنوان یک کرد اشاره می کند و با برجسته کردن بعد «ایدئولوژیکی» حاکم بر فرهنگ سیاسی و تداخل آن در ورزش می گوید: "در آن زمان مانع از سفر من و برادرم به عنوان اولین نمایندگان ورزشی کردستان، به خارج از کشور از جمله بازی های آسیایی می شوند، با این تصور که ما ضد انقلاب هستیم".

ج) تبلیغات سیاسی

تبلیغات سیاسی شکلی از ارتباط است که هدف آن نفوذ بر گرایش یک جمع یا جماعت به موضع و دلیل دلخواه موانع سیاسی است. بنابراین هدف تبلیغات سیاسی تداوم بخشیدن به قصد مبلغ و دگرگون ساختن افکار عمومی و تحت تأثیر قرار دادن رفتار افراد است. از این نظر هر تبلیغ سیاسی واحد پیامی

آمرانه است برای مخاطب که از تمامی سویه‌های معانی پیام در راستای نفوذ و تثبیت پیام خود بهره می‌گیرد، بدون آنکه نیازی باشد که مخاطب به کفه معنایی پیام و مقاصد پسین آن پی ببرد. از این جهت ورزش می‌تواند به عنوان زمینه پیام محملی برای انتقال و اجرای پیام ضمنی سیاست باشد و به دیگر عبارت سیاست و حاکمان سعی می‌کنند از طریق ورزش سیاست آمرانه خود را در جامعه گسترش و تحکیم بخشند. در واقع سیاست با تفکیک سیاهی و سفیدی، خود و دیگری از ورزش در راستای عزت بخشیدن به خود و بر خاستن خود یک پارچه سیاسی در میادین ورزشی و باز خورد آن در مخاطب میهنی بهره می‌گیرد جنبه ثانوی و عکس‌العملی ورزشی مبین مقاومتی است که به جای تحقق بخشیدن به پیام مقصود سیاست، معانی معکوس و گاه ضد را بازنمایی می‌کند و منجر به شکاف ایدئولوژی در پیام مذکور می‌گردد. به زعم میشل فوکو مقاومت‌های صورت گرفته در برابر قدرت، به فهم هر چه بهتر روابط قدرت کمک می‌کند. مقاومت همواره در روابط قدرت به عنوان «تقابل غیر قابل تقلیل» مورد نظر قرار می‌گیرد. بنابراین سیاست در این مورد مبارزه‌ها، واکنش‌ها و مقاومت‌هایی بهره می‌گیرد که ورزش به عنوان انتظام و گفتمانی مدرن آن را فراهم آورده است بنابراین دو سویه و ریز مقوله تبلیغات سیاسی عیارتند از دو قطبی‌سازی و مقاومت ورزشی.

برای مثال مشارکت کننده (a4) درباره ماشین تبلیغات در ورزش می‌گوید:

"ورزش به لحاظ تبلیغی و پروپاگاندایی از چنان قدرتی برخوردار است که هیچ ماشین تبلیغاتی از پس تأمین آن بر نمی‌آید".

وی همچنین درباره اهمیت رفتاری یک ورزشکار در عرصه جهانی می‌گوید:

"حضور ورزشکاران در عرصه‌های بین‌المللی به مانند حضور سفیری سیاسی از آن کشور است. بنابراین نحوه پوشش، رفتار و برخورد این ورزشکار نشان دهنده پیام سیاسی ضمنی کشوری است که از آن آمده است".

مشارکت کننده (a7) اما بر نقش بازخوردگرایانه ورزش و پیام سیاسی ناشی از رقابت‌های ورزشی اشاره می‌کند و می‌گوید:

"ورزش از ظرفیت ایجاد افتراق و جدایی و خصومت میان ملت‌ها برخوردار است، بستگی به این دارد که نتیجه رقابت‌های ورزشی را تا چه اندازه جدی بگیریم و در پذیرش واقعیت چه منطقی را بکار ببریم".

مشارکت کننده (a9) ضمن تأکید بر رویه سیاست‌گذاری و محمل‌گرایی سیاسی ورزشی در عرصه‌های بین‌المللی، بر بعد مقاومت‌گرایانه آن نیز گوشزد می‌کند و می‌گوید:

"ورزش در عین آنکه می‌تواند با سیاست‌گذاری درست باعث همبستگی ملی شود، با سیاست‌گذاری غلط و تحمیل مقاصد سیاسی و ایدئولوژیک می‌تواند نتیجه عکس به دنبال داشته باشد و باعث ایجاد کشمکش‌های قومی درون یک سرزمین شود".

مشارکت کننده (a28) به عنوان یک ورزشکار زن اما وقتی با اهانت و انگ «بی‌غیرتی» از سوی رسانه ملی روبرو می‌شود، می‌گوید:

"گفتن بی غیرت به کسی ، توهین بزرگی است و من از این بابت برای ایشان خیلی متاسفم من همیشه ایران را کشور خودم دانسته‌ام و کم نگذاشته‌ام".

بازخوانی ابعاد سیاسی در هویت ورزشی

مقوله بعد سیاسی از نقطه نظر ریز طبقاتی اعم از غرور ملی، ارتقاء فرهنگ سیاسی و تبلیغات سیاسی با استناد به پاسخ مشارکت کنندگان مورد بررسی قرار گرفت، که هر کدام با محمل قرار دادن ورزش در بطن گفتمانهای سیاسی و نقش سازنده و ترویجی آن در همبستگی اجتماعی و ملی به لحاظ عاطفی و شناختی و جنبه‌ی دیپلوماسی گرایانه و ایدئولوژیک آن می‌توان به اهداف و مقاصد دولت‌ها در پس سیاست ورزشی پی برد. به عبارت دیگر ورزش از این لحاظ محلی است برای اجرا و پیاده کردن مقاصد بالای سیاسی اعم از همگرایی و وحدت ملی، مذاکرات بین‌المللی و... در عین حال تشدید این سیاست‌ها بعضاً بعد منفی و واگرایانه به خود می‌گیرد که نمونه بارز آن فرار و پناهندگی فوتبالیست‌های کره شمالی در جام جهانی ۲۰۱۰ است.

جدول ۲: ساختار مثالی ارتباط و معرف‌سازی مقوله‌های ابعاد سیاسی بر اساس پاسخ مشارکت‌کنندگان

ردیف	جواب‌ها	مصاحبه شونده	شاخص‌ها	مقوله‌ها	منابع مقوله	مقوله هسته
۱	حس خیلی خوبیه که پرچم ایران را بالا ببری. افتخار می‌کنم که ایرانی هستم و برای کشورم مقام می‌آورم	a21 ورزشکار ملی	جنبه شناختی	غرور	بایرنر (۱۳)	
۲	حس بالا بردن پرچم کشورم قابل مقایسه با هیچ حسی نیست، تا تجربه نکنی نمی‌فهمی. آنقدر مهم و بزرگه که حاضرم سالها برایش زحمت بکشم.	a18 ورزشکار ملی	جنبه عاطفی	ملی	موتز و گری (۱۹)	
۳	پیشنهاد سرمربی تیم کشتی آمریکا به ترامپ برای سفر به ایران در اعتراض به فرمان نژادپرستانه، نشان داد که ورزش ایران توانسته عاملی برای ارتقاء فرهنگ سیاسی و هویت ملی باشد.	a14 مربی کشتی	دیپلماسی ورزشی	ارتقای فرهنگ	باینول (۳۰)	بعد سیاسی
۴	در آن زمان مانع از سفر من و برادرم به عنوان اولین نمایندگان ورزشی کردستان، به خارج از کشور از جمله بازیهای آسیایی میشوند، با این تصور که ما ضد انقلاب هستیم.	a10 قهرمان سابق	تحکیم ایدئولوژی	سیاسی	دل آکیولا (۲۶)	
۵	ورزش به لحاظ تبلیغی و پرو پا گاندایی از چنان قدرتی برخوردار است که هیچ ماشین تبلیغاتی از پس تأمین آن بر نمی‌آید.	a7 جامعه شناس	مقاومت سیاسی	تبلیغات	ملکوتی ان (۵)	
۶	ورزش از ظرفیت ایجاد افتراق و جدایی و خصومت میان ملت‌ها برخوردار است، بستگی به این دارد که نتیجه رقابت‌های ورزشی را تا چه اندازه جدی بگیریم.	a9 استاد علوم سیاسی	دوقطبی سازی سیاسی	سیاسی	روی (۲۰)	

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۱

جمع بندی و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش شناسایی به‌کارگیری هویت ملی در سیاست‌گذاری ورزش ایران بود. یافته‌های پژوهش نشان دادند که سه بُعد غرور ملی (جنبه شناختی و جنبه عاطفی)، ارتقای فرهنگ سیاسی، تداوم هنجارهای اجتماعی - جنسیتی، تحکیم ایدئولوژی و تبلیغات سیاسی (مقاومت سیاسی، دوقطبی سازی سیاسی) بر سیاست‌گذاری هویت ملی در ورزش تأثیر می‌گذراند و باعث تقویت هویت ملی خواهند شد. در واقع؛ امروز بیش از هر زمان دیگری، ورزش یکی از ابزارهای هویت ساز در

جامعه است که سیاستگذاران کلان کشور در راستای تقویت هویت ملی، می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند.

یافته‌های پژوهش حاکی از این بودند که بعد غرور ملی سیاسی بر سیاست‌گذاری هویت ملی در ورزش تأثیرگذار است. این نتیجه، هم‌راستا با پژوهش‌های بایرنر^۱ (۲۰۱۵)، موتز و گرک (۲۰۱۸)، روی (۲۰۰۴)، داکزی (۲۰۱۱)، شاهین و همکاران (۲۰۱۲)، لیک (۲۰۲۰)، فاضلی (۱۳۹۱) و احمدپور، خیبری و رجبی (۱۳۹۶) است. در این خصوص بایرنر (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی جامعه‌شناسی ورزش: درباره هویت ملی و ملی‌گرایی» نشان داد که رابطه فرهنگی اجتماعی بین ورزش و ملت و پویایی هویت ملی و ملی‌گرایی در ورزش قابل تأمل است. چراکه ورزش از یک سو مسیری برای توسعه و گسترش هویت ملی باز کرده است و از جانبی دیگر این دولت‌ها و جنبش‌های هویت طلب بوده‌اند که به توسعه و گسترش و نفوذ ورزش کمک شایانی کرده‌اند (۱۳). همچنین موتز و گرک^۲ (۲۰۱۸) اذعان داشتند که احساسات نقش مهمی در رابطه بین موفقیت ورزشی و شناسایی ملی دارند. درگیری و احساسات عاطفی، عواطف و روحیات خاص ورزشی مکانیسم کلیدی است که از طریق آن سطوح بالاتر هویت ملی در قلمرو ورزش ایجاد می‌شود (۱۹) در همین راستا روی^۳ (۲۰۰۳) به بررسی باشگاه بارسلونا پرداخته است. او دریافت که قسمت کاتالونیا در اسپانیا به تیم بارسلونا به عنوان تیم ملی کاتالون نگاه کرده و آن را جزئی از فرهنگ و هویت قومی خود دانسته و حتی برای نشان دادن خود به جهانیان از این تیم استفاده نموده و به این شکل به دنبال جدایی از اسپانیا که از لحاظ زبانی، فرهنگی و حتی دینی تفاوت دارند هستند (۲۰) همچنین کوتزل و نلسون^۴ (۲۰۱۱) نشان دادند که موفقیت ورزشی قهرمانان مجارستانی در سطوح بین‌المللی در همبستگی ملی شهروندان مجارستانی تأثیر مثبتی دارد (۲۱) در این خصوص شاهین و همکاران (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که ورزش نقش‌های گوناگونی در ملی‌گرایی بازی می‌کند از جمله: توسعه دولت‌ها، تقویت ملی‌گرایی آمیخته با سیاست، ایجاد طبقات اجتماعی، تقویت میهن‌پرستی به وسیله تعریف مفاهیم ورزش ملی، شناساندن ملیت در عرصه بین‌المللی، ایجاد آگاهی‌های ملی، غرور و وحدت، همچنین ورزش به عنوان یک ابزار ایجاد وحدت ملی گروه‌های گوناگون می‌باشد (۲۲). همچنین نتیجه تحقیق احمدپور، خیبری و رجبی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد ورزش می‌تواند همبستگی ملی را تقویت کند و با ایجاد غرور ملی و گره زدن علائق گروه‌های مختلف جامعه باعث همبستگی و وفاق در داخل کشور و قدرت‌نمایی در عرصه بین‌الملل شود. (۲۳) در تبیین نتایج می‌توان گفت، اگر هویت ملی را نیروی جبری بدانیم که دولت - ملت‌ها را کنار هم قرار می‌دهد، غرور ملی تأثیر مثبتی خواهد بود که مردم یک کشور در نتیجه هویت ملی خود نسبت به کشورشان ابراز می‌دارند. غرور ملی در واقع هم افتخار و هم احساس اعتباری است که از هویت یک فرد نشأت می‌گیرد و با احساس‌های میهن‌پرستی و ناسیونالیسم ارتباط دارد. در مسابقات

^۱. Bairner

^۲. Mutz & Gerke

^۳. Rowe

^۴. Kottrell

^۵. Sahin

جهانی اهتزاز پرچم و سرود ملی یک کشور به دنبال پیروزی ورزشکاران وابسته به خرده‌فرهنگ‌های مختلف و یا فرهنگ اصلی آن کشور بازگوکننده و تأکید کننده وحدت ملی در آن کشور است. همچنین این پژوهش نشان داد، ارتقای فرهنگ سیاسی بر سیاستگذاری هویت ملی در ورزش اثرگذار است که موافق پژوهش‌های هاشمی و جوادی یگانه (۱۳۸۶)، لیا و هونگا (۲۰۱۵)، دل آکیولا (۲۰۲۰)، بارتولوچی (۲۰۲۰) است. با تحلیل فرآیندها می‌توان نتیجه گرفت ورزش فارغ از جنبه تفریحی و عوامل بازدارنده‌ای از قبیل تعارض سازی میان هویت محلی، ملی و فراملی، می‌تواند نقش مهمی در توسعه و رشد فرآیند ملت‌سازی ایفا کند. به نحوی که دولت‌ها با تدوین سیاست‌های ورزشی در راستای تقویت و تعمیق هویت ملی تلاش کرده و از طریق تهییج اجتماعی و شور و نشاط در فضای اوقات فراغت به افزایش اعتماد اجتماعی و به تبع غرور ملی دست می‌یابند که موجب تقویت فرهنگ همزیستی مردمان یک مجموعه سرزمینی می‌شود (۲۴). هاشمی و جوادی یگانه (۱۳۸۶) فوتبال را به عنوان یکی از عناصر سازنده هویت ملی در عصر حاضر مورد توجه قرار داده‌اند (۲۵). مطالعه دل آکیولا (۲۰۲۰) در این رابطه بیان می‌کند، ارتباط گسترده ورزش و سیاست منبعی قابل انعطاف برای دستیابی به طیف گسترده‌ای از اهداف داخلی و بین‌المللی در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهد. به این ترتیب ورزش با اتکا بر توان سیاسی خود، با وحدت بخشیدن به نیروها، موجب ترویج و شکل‌گیری حس میهن‌پرستی در بطن جامعه می‌شود (۲۶). هویت ملی و ملی‌گرایی مقوله‌های ثابت و تغییرناپذیری نیستند. اهمیت آن‌ها بسته به شرایط سیاسی، اجتماعی و وقایع موجود در صحنه اجتماعی گسترده‌تر تغییر می‌کند. چارچوب سیاسی و اجتماعی ورزش می‌تواند میان ورزش به عنوان ارزش‌ها، خصلت‌های اجتماعی، گرایش‌ها، آرمان‌ها و انتظارات جامعه هماهنگی به وجود آورد و عملکرد و دستاوردهای ورزشی را در پرتو ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی تفسیر و تبیین کند (۲۷). لیا و هونگا (۲۰۱۵) اذعان داشتند که بازی‌های ملی چین یکی از عوامل نجات‌دهنده اصول ناسیونالیسم چین مثل حاکمیت، تمامیت ارضی و احساسات میهن‌پرستانه بوده است. بازی‌های ملی در دوران جمهوری خواهان چین بیش از یک رویداد ورزشی به ملیت مستقل و هویت ملی چین شکل داده است (۲۸). ورزش می‌تواند روی فرهنگ سیاسی کشورها تأثیر مستقیم بگذارد. در کشورهایی که بیشتر به دلایل فرهنگی، مشارکت سیاسی عمومی وجود ندارد، می‌تواند گام‌هایی به سوی ارتقای فرهنگ سیاسی مشارکتی بردارد. در واقع، ورزش در دنیای امروز به عنوان یک عامل بسیار مهم اجتماعی و سیاسی شناخته می‌شود و از آنجاکه جامعه جهانی به سمت نوعی عقلانیت حرکت کرده و تلاش می‌کند که از مبارزه و نفرت اجتناب کرده و به سمت فضایی پیش‌رود که در آن، اگرچه هویت‌های اجتماعی و ملی جدا از یکدیگر درک می‌شوند ولی درعین حال علیه یکدیگر به منازعه نپردازند؛ ورزش اهمیت بسیار بیشتری یافته است (۲۹).

در زمینه تبلیغات سیاسی مشخص شد این بُعد می‌تواند بر سیاستگذاری هویت ملی در ورزش تأثیرگذار باشد. این یافته را پژوهش‌های، ملکوتیان (۱۳۸۸)، باینول (۲۰۰۵) و هولیهام (۲۰۰۵) تأیید

می‌کند. ملکوتیان (۱۳۸۸) اذعان می‌دارد که رابطه ورزش و سیاست یک رابطه دوطرفه است، به گونه‌ای که از یک طرف سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبرد ورزشی بر ورزش تأثیر دارد و از طرف دیگر ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست تأثیر می‌گذارد. او در تحقیق خود به نقش ورزش در تحکیم ارزش‌های انسانی در جامعه، مشارکت سیاسی، توسعه‌ی صلح، مبارزه با استعمار و نقش رسانه‌های ورزشی می‌پردازد (۵). همچنین باینول^۱ (۲۰۰۵) به این نتیجه رسید که ورزش می‌تواند به عنوان ابزار دیپلماتیک همچون دیپلماسی عمومی برای تأثیر عقیده مورد توجه قرار گیرد (۳۰). در تبیین این نتیجه پژوهش می‌توان گفت، اهمیت روزافزون ابعاد سیاسی ورزش در طی چند دهه اخیر موجب شده است که حکومت‌ها بخشی از دستگاه‌های مشروعیت‌سازی خود را همانند رسانه‌ها بدان اختصاص دهند و در پی آن‌اند تا هر دستاورد ورزشی را به پیروزی ملی و فرصتی سیاسی-اقتصادی تبدیل کنند و بدین ترتیب خود را مشروع و کارآمد جلوه دهند. در گرماگرم هیجان حاصل از برگزاری مسابقات مهم بین‌المللی یا کسب یک موفقیت مهم بین‌المللی ورزشی، پیام رئیس‌جمهور یا پادشاه و یا هر فرمان سیاسی دیگر برای مردم بسیار گیراتر از زمانی است که جامعه بدون هیجان است و به همین دلیل است که رسانه و ورزش مورد توجه سیاست‌مداران قرار گرفته است. به‌طور کلی در دنیای امروز مردم زندگی روزانه خود را با مطالعه رسانه‌های ورزشی آغاز می‌کنند. از این نظر اهتمام مسئولان به جنبه‌های ارزشیابی آموزشی و استراتژی‌های محتوایی می‌تواند باعث جذب خرده‌فرهنگ‌های پیرامونی جامعه ورزشی شود. بنابراین می‌توان گفت که ورزش می‌تواند فرصتی ایجاد از ظرفیت ایجاد افتراق و جدایی و خصومت میان ملت‌ها برخوردار است.

در نهایت می‌توان نتیجه‌گیری نمود که با توجه به نقش هویت ملی در سیاست‌گذاری ورزش، لازم است که بخش‌ها و اجزای مختلف ورزش از جمله ورزشکاران، تماشاچیان، رویکردها و برنامه‌های ورزشی مورد توجه قرار گیرند، ضمن این که نتایج بررسی علل موفقیت و شکست تیم‌های ورزشی در مناسبات ملی و بین‌المللی با نگرشی به آینده می‌تواند در اختیار برنامه‌ریزان ورزشی و مربیان تیم‌های ملی قرار گیرد. به نظر می‌رسد که لازم است رسانه‌های ورزشی از تمهیدات و تکنیک‌های به روز دانش روزنامه‌نگاری بهره‌گیرند و به دور از حب و بغض و اغراق و توهین جنسیتی و هویتی به ورزشکاران، تنها به منظور ارتقاء سطح ورزش کشور تلاش کنند. چرا که به لحاظ دانش رسانه‌ای، توجه به ورزش باید تنها به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی و همراه با جنبه‌های دیگری اعم از توسعه فرهنگی صورت گیرد. نهادهای ورزشی می‌توانند از طریق احیای ورزش‌های بومی و ایجاد نوعی تعادل میان ورزش‌های جدید و بومی در تأکید بیشتر بر ارزش‌های مفید اجتماعی متناسب با روحیه ورزشکاران و جامعه ورزشی و معرفی آن‌ها به نسل‌های جدید عمل نمایند. بنابراین با توجه به جایگاه ورزش در روابط بین‌کشورها و سطوح بین‌المللی و اتکای زیاد آن به نمادها و مراسم‌های مختلف، محل مناسبی برای ایجاد ملی‌گرایی به شمار می‌رود. در حقیقت ورزش می‌تواند به عاملی برای ارتقاء

^۱. Bainvel

فرهنگ سیاسی و هویت ملی تبدیل شده و تبعیض‌های نژادی و جنسیتی را پشت سر گذاشته و سبب گسترش و نفوذ فرهنگ سیاسی و ملی کشورها شود.

۱. Javadipour M, Rahbari S. Identification of the Components Effective on Policy-Making in Sport for All in Iran. *Science and Technology Policy Letters*. 2017;7(3):75-84.(in Persian)
۲. Asefi AA, Asadi Dastjerdi H. An Investigating of developmental barriers of sport for all in state universities of Tehran city and presenting developing strategies. *Journal of Sport Management*. 2017;8(6):823-44. (in Persian)
۳. Bigdeloo.R. Constructing Iranian National Identity Based on Race. *Journal of Iranian Islamic Period History*. 2017;8(14):57-90. (in Persian)
۴. Fahlén J, Stenling C. Sport policy in Sweden. *International journal of sport policy and politics*. 2016;8(3):515-31.
۵. Malakoutian M. Sport and politics. 2009. (in Persian)
۶. Dousti M, Goodarzi M, Asadi H, Khabiri M. Sport policy in Iran. *International journal of sport policy and politics*. 2013;5(1):151-8. (in Persian)
۷. Houlihan B. Public sector sport policy: Developing a framework for analysis. *International review for the sociology of sport*. 2005;40(2):163-85.
۸. Sargit S, editor *Sport Malaysia: policies and development strategies for the populace*. 2nd International Sport for All Congress, Tehran; 2017.
۹. Edison BR, Christino MA, Rizzone KH. Athletic Identity in Youth Athletes: A Systematic Review of the Literature. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 2021;18(14):7331.
۱۰. Erdoğan BS, Gülşen DBA. Investigation of the Faculty of Sport Sciences Students' Identity Perceptions According to the Variables of Gender and Doing Sports. *International Journal of Applied Exercise Physiology*. ۲۰۲۱؛۱۰(۱):۱۶۴-۸.
۱۱. Kirakosyan L. Negotiating Multiple Identities of Brazilian Paralympians. *Social Sciences*. 2021;10(8):305.
۱۲. Ghaedi A, Ghafouri F, Kargar G. Investigation the role of athletics sport on Social Development Indicators. *applied research in sport management*. 2016;5(1):35-47. (in Persian)
۱۳. Bairner A. Assessing the sociology of sport: On national identity and nationalism. *International Review for the Sociology of Sport*. 2015;50(4-۵):۳۷۵-۹.
۱۴. Silverman D, editor *Instances or sequences? Improving the state of the art of qualitative research*. Forum Qualitative Sozialforschung/Forum:

Qualitative Social Research; 2005.

۱۵. Ghafouri FG, H.Khalili, A. A. Measurement of National Identity as an Incentive for Iranian National Football Team Supporters. National Congress of Physical Education Students and Sport Sciences; Tehran2011. (in Persian)
۱۶. Hallmann K, Breuer C, Kühnreich B. Happiness, pride and elite sporting success: What population segments gain most from national athletic achievements? Sport Management Review. 2013;16(2):226-35.
۱۷. Robertson Y. Income on Society. Mashhad: Astan Quds Razavi 1997.
۱۸. A A. Sports Politics, International Relations. Shargh. 2015.
۱۹. Mutz M, Gerke M. Major sporting events and national identification: the moderating effect of emotional involvement and the role of the media. Communication & Sport. 2018;6(5):605-26.
۲۰. Rowe D. Critical readings: Sport, culture and the media: McGraw-Hill Education (UK); 2003.
۲۱. Cottrell MP, Nelson T. Not just the Games? Power, protest and politics at the Olympics. European Journal of International Relations. ۲۰۱۱ □ ۱۷(۴):۷۲۹-۵۳.
۲۲. Şahin MY, Yenel F, Çolakoğlu T. Sport and nationalism interaction: sports' place and importance creating national identity. Journal of Human Sciences. 2010;7(1):1244-63.
۲۳. Ahmadpour.Iran KM, Rajabi.Hossein. Modeling the Role of Sport in the Process of National Identity Formation. National Studies Quarterly. ۲۰۱۸ □ ۱۸(۴):۴۱-۵۸. (□□ □□□□□□□□)
۲۴. Fazeli H. Sports and identity politics. Research Letter of Political Science. 2012(2).
۲۵. Hashemi S, JAVADI YM. Football and national identity. 2007. (in Persian)
۲۶. Dell'Aquila P. Olympic Games as Mega-Sport Events: Some Social-Historical Reflections on Recent Summer Olympic Games. Italian Sociological Review. 2020;10(2).
۲۷. Bartoluci S, Doupona M. He's ours, not yours! Reinterpreting national identity in a post-socialist context. International Review for the Sociology of Sport. 2020;55(4):490-506.
۲۸. Li L, Hong F. The National Games and national identity in the Republic of China, 1910–1948. The international journal of the history of sport. 2015;32(3):440-54.
۲۹. Eltiaminia R, Azizabadi MM. Consequential and Catalytic Role of

Sport in Creating Conditions of Peace Conditions among the States. 2015. (in Persian)

۳۰. Bainvel S. Sport and Politics: A study of the relationship between International Politics. 2005.